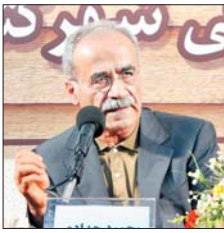


شرق: جشن هزارگان شهرکتاب برپا می‌شود. به‌مناسبت برگزاری هزارمین جلسه کتاب در مؤسسه شهرکتاب، جمعی از اهالی فرهنگ و مسئولان این نشست‌ها در روز سه‌شنبه از ساعت ۱۸:۳۰ در مرکز فرهنگی شهرکتاب گرد هم می‌آیند تا هزارگان شهرکتاب را در این ده سال اخیر به جشن بنشینند. به‌گفته مهدی فیروزان، مدیرعامل شهرکتاب، در ده سال گذشته معاونت فرهنگی و بین‌المللی شهرکتاب هزار جلسه برگزار کرده و این نشست‌ها شامل درس‌گفتارها،

محمود حدادی:



بیش از پیش ملت‌ها را به هم پیوند می‌دهند، پیوند ادبی، ارزشی فراتر از همه ارزش‌ها دارد، چونکه غش و غرضی در آن نیست، نه از لحاظ استثماری، نه نژادی، بلکه پیوندی است پاسدار حرمت همه انسان‌ها. نهادی که به سهم خود در پیشبرد این پیوند بکوشد، هم به خود ارج می‌دهد، هم به ملت خود.

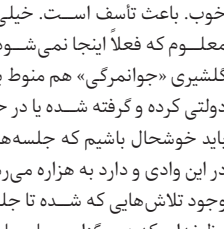
حمید عبداللهیان:



عدد هزار برای بعضی چیزها کم است مثل قایق یا ساعات یا روزهای عمر و برای بعضی چیزها خیلی زیاد است مثل سال‌های عمر یا تعداد زخم‌ها؛ برای جامعه‌ای مثل جامعه ما و آن خود قادر می‌سازد. در جهانی که صنعت، سرمایه، مهاجرت‌های توده‌وار و رسانه‌های فراقاره‌ای پیوسته

مرکز دیگری حتی به ده هم نمی‌رسند. به عنوان کسی که از دور و گاه نزدیک در جریان جلسات قرار دارم باید اقرار کنم که تشکیل یک جلسه هم کار طاقت‌فرسایی است. تنها عشق و ایثار است که می‌تواند کسی را برانگیزد تا هزار بار بهترین و نخبه‌ترین اندیشمندان کشور را که وجودشان غنیمتی غفلت‌شده است گرد آورد و رودرروی جماعتی تشنه نباشد. هزار جلسه به سادگی بر زبان می‌آید ولی در این جلسات سرمایه‌هایی فرهنگی عصاره سال‌ها سختی و تلاششان را گفتمند که ممکن نیست دیگر-توانیم از حضورشان استفاده کنیم. خدا به پدران فرهنگی این جامعه طول عمر دهد و جای خالی بزرگانی که در این هزار جلسه بودند و دیگر نیستند خالی، ستاره‌هایی مثل رضا سیدحسینی، قیصر امین‌پور، ایرج افشار و… که هر کدامشان برای ما کهنشانی بودند.

محمود حسینی‌زاد:



غیره و بعضاً از من هم دعوت کرده‌اند و پاسخ می‌معمولاً این بوده که «فعلاً گرفتارم. باشد چند ماه دیگر خبر می‌دهم» و می‌دانستم که مسلماً تا چند ماه دیگر تمام است؛ و واقعاً هم تمام می‌شوند آن ایده‌های بعضاً خیلی خوب. باعث تأسف است. خیلی زیاد، اما هست. سبب و علل هم حدوداً معلوم که فعلاً اینجا نمی‌شود به آنها پرداخت. این به قول هوشنگ گلشیری «جوانمرگی» هم منوط به این نیست که این قصد و هدف در حوزه دولتی کرده و گرفته شده یا در حوزه عمومی. همیشه اتفاق می‌افتد. پس باید خوشحال باشیم که جلسه‌های «شهرکتاب» با عمری بالنسبه طولانی در این وادی و دارد به هزاره می‌رسد؛ با وجود مشکلاتی که هست و با وجود تلاش‌هایی که شده تا جلوی کار به این صورت گرفته شود. به دلیل وظیفه‌ای که در برگزاری جلسات داستان‌خوانی نویسنده‌های آلمانی‌زبان در طول نمایشگاه کتاب تهران داشتم، مدتی نسبتاً طولانی است که با این مؤسسه در تماس بودم و هستم. برای برگزاری جلسه‌ها. تا امروز، شش هفت‌سالی هست، این جلسه‌ها به بهترین وجه برگزار شده. می‌دانم که رضایت کامل طرفین و می‌دانم که در محافل تخصصی آلمان، «پوک سیتی» دیگر شناخته شده است و در برنامه‌ریزی‌های مربوطه مدنظر. برای سخنرانی و گفت‌وگو هم به چند جلسه دعوت شده‌ام که آنها هم به بهترین وجه خاتمه یافته‌اند. تمام اینها هم در بستری آرام و با نوعی آرامش دست‌اندرکاران. چه آقای محمدخانی و چه همکاران روابط عمومی. همه آرام و صمیمی و امری نادر در این سرزمین: سریع؛ واقعاً. بدون اغراق‌های شرقی در این نوع نوشته‌ها!

دلیل دیگرش، بعد از این برنامه‌ریزی هماهنگ، به نظر می‌دید و دانش دست‌اندرکاران است. در نهادهای دولتی و نیمه‌دولتی کمتر جایی (لااقل با آنهایی که سروکار داشته‌ام) دیده‌ام که مسئولین سعه صدر داشته باشند، چند بُعدی باشند، دید گسترده‌تری داشته باشند، سعی داشته باشند که در زمینه‌های ادبی و فلسفی و علوم انسانی به بالا رفتن سطح دانش همگانی اقدام کنند، برای جلسه‌ها برنامه‌های تعریف‌شده داشته باشند، تلفیق سازنده و خوبی از مهمان‌های داخلی و خارجی به‌وجود آورند و (آن چه که به من مربوط می‌شود) مثلاً ادبیات روز را بشناسند. در این راه برای تربیت نویسنده اقدام کنند. شهر کتابی‌ها چنین‌اند.

مریم حسینی:



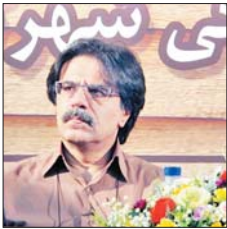
مرکز فرهنگی شهر کتاب سال‌هاست احساس آزادی، آرامش و امنیت علمی داشته باشیم. اگر در دانشکده‌های ادبیات موظف به تدریس تعدادی واحد و از پیش تعیین‌شده بودیم و هسب اینها فرصتی برای همه استادان فراهم آمد تا از نوبت‌های خود به آزادی سخن بگویند. اگر در دانشکده‌های ادبیات دریغ و افسوس می‌خوریم که چرا از فلان رمان و داستان و مجموعه شعر سخن نمی‌رود، اینجا فرصتی فراهم است تا از بهترین کتاب‌های تالیفی و تصنیفی و ترجمه دوران سخن بگیریم. اگر در دانشکده‌های ادبیات مخاطبین محدودی برای سخن می‌یابیم و دریغ می‌خوریم که «دوران باخبر در حضور و نزدیکان بی‌بصر دور»، اینجا امکانی فراهم می‌شود تا دوران باخبر هم به حضور برسند.

هزارگانِ شهرکتاب

شخصیت‌های کلاسیک و جلسات هفتگی کتاب بوده است و تقریباً تمام استادان و صاحبان تالیف در این جلسات شرکت داشته و به بحث درباره آثارشان پرداخته‌اند. فیروزان این نشست‌ها را راهی برای گفت‌وگو با ملل مختلف می‌خواند و معتقد است: «بخشی از این جلسات در چارچوب دیپلماسی عمومی برگزار شده است. در ایام تحریم بهترین راه گفت‌وگو را برنامه‌های فرهنگی دیدیم و از این‌رو به طراحی این نشست‌ها روی آوردیم. در این هزار نشست

مرکز فرهنگی شهر کتاب سال‌هاست رسالت سنگینی را بر دوش می‌کشد که وظیفه دانشکده‌های ادبیات و فلسفه و جامعه‌شناسی بوده است. معرفی کتاب‌ها و نویسندگان آثار، نقد و تحلیل آثار ادبی هنری، تشکیل کارگاه‌هایی که هیچ‌گاه در دانشگاه امکان برگزاری آن‌ها وجود نداشته است، سخنرانی‌های استادان برجسته داخلی و خارجی، تجلیل از اندیشمندان و هنرمندان؛ و اگر اهدای جوایز ادبی و فلسفی را هم به آن بیفزاییم باید بگوییم مرکز فرهنگی شهر کتاب با کمترین امکانات توانسته بخش بزرگی از رسالت دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی را به عهده بگیرد. برای مدیر فرهیخته این مرکز و همکاران ارجمندشان آرزوی کامیابی دارم.

رضارضایی:



مرکز فرهنگی شهرکتاب در این سال‌ها کارنامه‌ی موفق‌ی داشته و به شکل‌گیری فضای گفت‌وگو و بحث و نقد کمک شایانی کرده است. برگزاری انواع جلسه‌های نقد و بررسی و نشست‌های اختصاصی، و همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی مختلف در حوزه‌ی ویرایش و دیگر حوزه‌های مربوط به نشر، نقش چشمگیری در ارتقاء دانش و بینش مخاطبان بازی کرده است و درعین‌حال موجب شده است که سازمان‌ها و نهادهای دیگری نیز از مرکز فرهنگی شهر کتاب سرمشق بگیرند و به گسترش فضای سالم گفت‌وگو مدد برسانند. برگزاری هزارمین جلسه را تبریک می‌گویم و امیدوارم آینده پربارتر از گذشته باشد و بعضی کاستی‌ها که در کار بوده است برطرف بشود.

حسن بلغاری:



هزارمین نشست فرهنگی شهر کتاب که به همت والا و استوادی مهندس فیروزان و جناب محمدخانی عزیز و مهتر تمامی مخاطبان محترم برگزار می‌گردد بسیار مبارک باد. هزاره‌ها در اکثر تمدن‌ها میلاد و موعود واقعیی سعد و نیکیجات‌اند به‌ویژه که پایان هزاره اول نشست‌های فرهنگی شهرکتاب و طلوع هزاره دوم آن مقارن شده است با طلوع و ظهور بهار و نوروز خجسته و جوادان. جان و روح نوروزی شما در این سال‌ها با نشست‌ها و درس‌گفتارها و سمینارها، نوروز معنا را در جان مخاطبان تشنه برمی‌انگیخت و هر نشست را به ظهور نوزادی از معنا متبرک و منور می‌ساخت. امید آنکه این شمع برافراخته از شور عاشقانی تابه هماره و مدام منور و فروزان باشد و گرما دهد و نور به کاشانه‌های طالب معنا و معرفت. مایلم از زحمات گرانقدر کسانی که برپایی این جلسات را میسر می‌سازند همچون جناب آقای زاهدی و سرکار خانم‌ها پیرعلی و زارعی به نوبه خود صمیمانه سیاست‌گزاری نمایم و عذرخواه زحماتم در این چند سال باشم.

محمدحسن شهسواری:



در مؤسسه شهرکتاب، استمرار دوره‌های آموزشی با استادان ثابت، امنیت ذهنی بسیار نادری برای معلمان به وجود آورده است که در این مسیر توانسته‌اند با افزودن تجربیات پیشین، راه طولانی به هم‌رساندن و انتقال مفاهیم و مباحث را به بهترین نحو به نقل بعدی بسپارند. و مگر فرهنگ جز با انتقال اندوخته‌ها و نقد و داوری و جداکردن سره از ناسره، بارور می‌شود. به گمان من معاونت فرهنگی مؤسسه‌ی شهرکتاب با به وجودآوردن این امنیت ذهنی برای استادان، که حاصل تعامل کم‌نظیر مسئولان و تکتک کارکنان اندک آن از اهالی فرهنگ است، نام خود را در تاریخ فرهنگ و ادب این ملک به‌نیکی به ثبت رسانده، می‌دانم هشتند معلمانی چون من که نزدیک به ده سال است به طراحی و تدریس دوره‌های مختلف پرداخته‌اند و توانسته‌اند با تصحیح و تبیین مباحث و سرفصل‌ها به نتایج قابل اشاره‌ای دست یابند. البته این اصلا به آن معنا نیست که کاستی‌هایی نیست و یا نباید راه‌های پیش‌روی جدیدی به وجود آورد. باری، امیدوارم این بخش از فعالیت‌های شهرکتاب، جدا از نشست‌ها و درس‌گفتارهای متعدد آن، از چشم اهالی فرهنگ و نیز مسئولان فرهنگی دور نماند و در تقویت این بیشتر بکوشد.

محمدمهدی اردبیلی:



تجربه‌ی چندساله‌ی تدریس در شهرکتاب برای من از چند جهت نسبت به تجربه‌ی تدریس در آکادمی متمایز بود. اولاً برخلاف محیط‌های آکادمیک با آموزشگاهی، دست‌کم در کلاس‌های آموزش فلسفه، هیچ‌کدام از شرکت‌کنندگان به دنبال دریافت مدرک یا نمره نیستند. از این حیث مدرس می‌تواند از این امر خاطرجمع باشد که برخلاف اکثریت سیاهی‌لشکر علم در کلاس‌های دانشگاه، در این کلاس‌ها عامل اصلی حضور مخاطبان میل به معرفت است. ثانیاً به دلیل ماهیت آزاد کلاس‌ها، بسیاری از شرکت‌کنندگان نخبگانی هستند که در حوزه‌ی فکری و کاری خود توفیقات فراوانی یافته‌اند و اکنون که به آمختن فلسفه روی آورده‌اند، انباشتی از دانش و معرفت را از حوزه‌های دیگر (اعم از روانشناسی، الهیات، مهندسی، تاریخ، ادبیات، جامعه‌شناسی، هنر و…) به کلاس فلسفه آورده‌اند و این امر منجر به ارتقای فکری محیط کلاس، شیوه‌ی پرسش‌گری و پیشبرد بحث می‌شود. ثالثاً ماهیت آزاد دوره‌های آموزشی شهرکتاب، این امکان را به مدرس می‌دهد که یک مسیر آموزشی بلندمدت را طراحی و اجرا نماید که به دلیل ماهیت ترمیک آکادمی و سرفصل‌های از پیش آماده، امکانش در دانشگاه وجود ندارد. از این حیث، شاید تجربه‌ی خود آکادمی در معنای افلاطونی‌اش به مؤسسات آزاد و مستمری مانند شهرکتاب نزدیک‌تر است تا به آکادمی‌های رسمی دانشگاه‌های امروز.

آخرین نکته این‌پاداشت مختصر به واسطه‌ی تجربه‌ام در شهرکتاب به رابطه‌ی استاد و شاگرد اختصاص دارد. ارسطو شاگرد راستین افلاطون بود، چرا که بزرگ‌ترین و عمیق‌ترین انتقادات را نسبت به نظریه‌ی مُثُل مطرح

کتاب

بیش از پنجاه منتقد و نویسنده از کشورهای دیگر شرکت داشته‌اند و مابقی نیز از نویسندگان و متفکران ایران بوده‌اند و این نشست‌ها به مدیریت آقای علی‌اصغر محمدخانی، در مؤسسه شهرکتاب برگزار شده است.» مراسم روز سه‌شنبه، دهم مرداد نیز با حضور جمعی از اهل فرهنگ برگزار می‌شود و چهره‌هایی چون دکتر داوودی‌اردکانی، حجت‌الاسلام سیدمحمود دعایی، دکتر بهشتی، دکتر عزت‌الله فولادوند و آیدین آغ‌داشلو سخنرانی خواهند کرد.

کرد و در نتیجه، افلاطون را رشد داد. در وهله‌ی نخست، ارسطو بهترین شاگرد افلاطون به نظر نمی‌رسد. شاید به همین دلیل مدیریت آکادمی پس از مرگ افلاطون نه به ارسطو بلکه به شاگردان وفادارتر او سپرده شد. اما شاگرد راستین، شاگردی است که نه صرفاً گیرنده‌ی معرفت، بلکه استاد استاد باشد. چنین شاگردی با پرسش‌های به‌موقع و عمیقش، با انتقادات رادیکالش و با بازتاباندن نتایج منطقی سخنان استاد به خود او، نه تنها خود از استاد می‌آموزد، بلکه استاد را نیز می‌پروراند. تجربه‌ی تدریس من در شهرکتاب، به دلیل مواجهه با چنین دانش‌جویان عمیق، پیکر، دغدغه‌مند، شجاع و جسور، سرشار از بازاندیشی‌ها و خودنقادهای بوده است: من در مقام شاگرد شاگردانم و آنان در مقام استادان استادشان.

علی صلح‌جو:



مراکز فرهنگی هر شهر، اعم از ادبی، هنری و اجتماعی، در حکم تنفس‌گاه‌های آن‌اند. این‌گونه مکان‌ها، به‌خصوص در دوره‌ی خستگی‌های ناشی از تنش‌های سیاسی، که معمولاً دامن روشن‌فکران را می‌گیرد، غنیمت بزرگی است. خوشبختانه، در دو دهه‌ی اخیر، تشکیل این مراکز و محافل در تهران و شهرستان‌ها رو به افزایش بوده است.

مرکز فرهنگی شهرکتاب، که در سال ۱۳۸۴ تشکیل شد، یکی از همین‌هاست که نالیستا در این مدت فعال بوده و حدود هزار نشست در آن تشکیل شده است. تنوع مناسبت‌های این مرکز به سلیقه‌های گوناگون پاسخ می‌دهد. دوره‌های چندین‌جلسه‌ای درباره‌ی بزرگان ادب، درس‌گفتارها و کارگاه‌های آموزشی بلندمدت، رونمایی و نقد کتاب‌های تازه، بزرگداشت‌ها و مناسبت‌های تولد و درگذشت از این زمره‌اند. خودمانی‌بودن جلسات مرکز فرهنگی شهرکتاب یکی از امتیازات مهم آن است. بدون تشریفات و بدون تشویق و تبلیغی سالن تقریباً همیشه پر است. در سالن در طول جلسه باز است اما آمودش‌های مزاحمت‌زا احساس نمی‌شود و این ناشی از همان خودمانی‌بودن و صمیمیت جلسه است. تداوم نشست‌ها روال تثبیت‌شده‌ای پیدا کرده است. چند دقیقه‌ای قبل از شروع جلسه، سخنران‌ها و دوستان نزدیک در دفتر آقای محمدحسینی جمع می‌شوند و حال و احوال شخصی و حرف‌های اینتر آمار ادبی کهن و گروه به سالن می‌آید و محمدخانی، قبراق و پرانرژی، با مقدمه‌ی کوتاهی حضار را در موقعیت گذشته و آینده‌ی موضوع قرار می‌دهد و سخنرانی آغاز می‌شود. پذیرایی بعد از جلسه نیز به‌درا‌ها را تازه می‌کند و احتمالاً ایده‌های جدید می‌آفریند. موضوعاتی که در این مرکز به آنها پرداخته می‌شود، اعم از درس و بحث و تحلیل و گزارش. بازتاب نیازهای جامعه‌ای است که به این‌گونه مراکز روی می‌آورند. شرح دوره‌ای آثار ادبی کهن و معرفی و نقد آثار ادبی تازه، برگزاری کارگاه‌های داستان‌نویسی، نقد ادبی، ترجمه و ویرایش و اعطای جایزه به پایان‌نامه‌های برتر از این جمله‌اند. بزرگداشت‌ها عموماً کم‌تعارف و پراطلاع است. مناسبت‌های درگذشت نیز همین‌گونه است. به یاد بیاوریم سخنرانی پردر، زیما و پرشکوه خانم دکتر ژاله امروگزار را به مناسبت درگذشت زندیاد دکتر هرمز میلانیان.

نام‌گذاری جایزه‌ی بهترین ترجمه‌ی ادبی سال به نام شادروان ابوالحسن نجفی، ادیب و مترجم برجسته، نیز اتفاق مبارکی است که اخیراً به ابتکار مرکز فرهنگی شهرکتاب صورت گرفته است. استمرار این فعالیت‌ها را به رئیس و کارکنان کوشای این مرکز کم‌سروصدا و پرکار تبریک می‌گویم.

آبتین گلکار:



هزار نشست فرهنگی؛ هزار نشست فرهنگی یعنی ارائه‌ی دست‌کم هزار فکر جدید، یعنی آشناکردن مخاطبان با هزار موضوع نو، با صدها کتاب تازه، صدها شخصیت تازه، صدها نام تازه. به‌راحتی می‌توان تصور کرد که اگر سازمانی دولتی می‌خواست پروژه‌ها را در چنین مقیاسی به انجام برساند، به چه مجموعه‌ی عریض و طویل و بودجه‌ی کلانی نیاز پیدا می‌کرد، در حالی که «شهرکتاب» عملاً با کمتر از پنج کارمند این برنامه را در کنار شمار فراوانی دوره‌ی آموزشی و درس‌گفتار و نشست‌های جنبی دیگر، برگزار می‌کند، بی‌آن‌که گوش فلک را با ادعایی کر کند. و البته این عدد «هزار» گویای یک ویژگی مهم دیگر هم هست که در مملکت ما حکم کیمیا دارد: شگفتاگر و ابتستادگی و تداوم. امیدوارم نشست‌های «شهرکتاب» و سایر برنامه‌های فرهنگی آن همچنان استمرار پیدا کند و بر غنایش افزوده شود و سایر نهادهای فرهنگی ما از آن الگو بگیرند.

امیرعلی نجمیان:



تدریدی نیست که مرکز فرهنگی شهرکتاب در توسعه فرهنگی جامعه ایران در دو دهه گذشته نقش بی‌نظیری داشته است. این مرکز با نقد و بررسی هفتگی کتاب‌های تازه چاپ‌شده خواندن کتاب را ترویج می‌کند، و نویسندگان و مترجمان را وارد گفت‌وگو با مخاطبان خود می‌کند. درس‌گفتارهای چهارشنبه‌ها سبب شده است که به گونه‌ای استثنائی نگرش‌ها و رویکردهای متفاوت و متنوعی درباره شخصیت‌های ادبی گرد هم آیند. کلاس‌های آموزشی شهرکتاب نیز از نخستین تلاش‌هایی بود که بیش از یک دهه پیش، خلایق که در حوزه آموزش در ایران وجود داشت و دارد را نشانه گرفت و فضایی موازی دانشگاه برای طرح مباحث ادبی و فلسفی فراهم کرد و نقد و اندیشه نقدانه را ترویج کرد. اما همه این‌ها به کنار، به گمان من، اهمیت مرکز فرهنگی شهرکتاب در نکته دیگری است: مرکز فرهنگی شهرکتاب بی‌تردید تنها فضایی است که ادبا، هنرمندان، فلاسفه و به طور کلی اهل فرهنگ و اندیشه، فارغ از سوگیری‌های فکری و جناحی در فضایی آرام گرد هم می‌آیند و با هم گفت‌وگو می‌کنند. در جامعه‌ای که شور‌بختانه هنوز به‌شدت درگیر فرقه‌گرایی قبیله‌ای است، این ویژگی شهرکتاب برای من بسیار ارزشمند است. برای همین از آقای محمدخانی و همکارانشان خانم زارعی، خانم پیرعلی و آقای زاهدی و دست‌اندرکاران دیگر این مرکز سپاسگزارم.

مرزهای روایت

شرق: «نشانه‌شناسی؛ مقالات کلیدی» عنوان کتابی است در حوزه نشانه‌شناسی که با گزینش و ویرایش امیرعلی نجمیان اخیراً در نشر مروارید منتشر شده است. این کتاب هجده مقاله کلیدی در این حوزه را دربر دارد و نشست هفتگی شهرکتاب، سه‌شنبه، ۳۰ خرداد، با حضور نجمیان، فرزان سجودی و فرزانه دوستی به معرفی و بررسی این کتاب اختصاص داشت.

امیرعلی نجمیان در نشست‌ی که به مناسبت انتشار این کتاب در شهرکتاب برگزار شد، گفت: «به‌یقین نمی‌شود ادعا کرد که می‌توان با این تعداد مقاله رشته نشانه‌شناسی را پوشش داد. کتاب حاضر در پنج بخش تدوین شده است. مجموعه مقاله‌های حاضر برای نخستین بار در ایران، داستان نشانه‌شناسی را در صد سال اخیر به روایت مقاله‌های کلیدی نشانه‌شناسان تأثیرگذار به نمایش گذاشته است. مقالات بخش نخست، مبانی، تعاریف و تاریخچه نشانه‌شناسی را معرفی می‌کنند. در بخش دوم نظریه‌پردازان به خاستگاه نخستین این دانش در زبان‌شناسی پرداخته‌اند. چرخش از زبان‌شناسی به مطالعات ادبی موضوع جستارهای بخش سوم است. بخش چهارم کاربست مطالعات نشانه‌شناسی را در گونه‌های هنری به نمایش می‌گذارد و دو جستار بخش پنجم درباره چالش‌هایی است که تعریف نشانه و نشانه‌شناسی در دهه‌های اخیر با آن روبرو شده است.»

نجمیان با اشاره به این‌ نکته که نشانه‌شناسی واکنشی بود بر دیدگاه‌های اصلت‌محور یا ذات‌گرا در حوزه زبان‌شناسی، گفت: «منظور از رویکرد ذات‌گرا یا اصلت‌محور این است که در زبان‌شناسی همیشه بخشی از معنی و حسی و دروازه‌ای ادبی است و یک نقطه ارجاع مشخص برای معنی وجود دارد و ما کسانی هستیم که باید به کشف آن معنا برویم.



نشانه‌شناسی

مقالات کلیدی

گزینش و ویرایش: امیرعلی نجمیان

نشر مروارید

نشانه‌شناسی در پی این ایده است یا این گزاره را مطرح می‌کند که معناها وقتی شکل می‌گیرند که ما درون یک متن یا دستور، نظامی را شکل بدھیم و نسبت بین اجزای این نظام، معنا را شکل می‌دهد. معنا درون یک سیستم برای یک واژه یا برای یک نشانه، چیزی است و در سیستمی دیگر می‌تواند چیز دیگری باشد. معنا امری نسبی است و امری است براساس تصادف یا مجموعه ایدئولوژی‌ها یا باورهایی که ما داریم، مثل این کتاب و شرح فقر و ثروت، غیاب و حضور، مرگ و زندگی، ما اینها را در زندگی‌مان ساخته‌ایم و همه معانی عالم را درون این قالب‌ها می‌بریم و می‌گوییم معنا یعنی این. نشانه‌شناسی در حوزه متون دیگر، مثل متن‌های ادبی، هنری و تصویری هم جاری شد و موفقیت‌های زیادی به دست آورد.»

فرزان سجودی نیز در این نشست از کتاب‌های متعددی گفت که در حوزه نشانه‌شناسی منتشر شده و از نگاه فرایکرب کتاب «نشانه‌شناسی، مقالات کلیدی» «این کتاب سیراغ سرحلقه‌ها رفته است. هزاران مقاله درباره نشانه‌شناسی در جهان هست و در انتخاب مقاله‌ها برای ترجمه باید عوامل متعدد را در نظر داشت. مقاله امیرتو اکسو درباره نشانه‌شناسی در معماری هم در این کتاب ترجمه شده و نشانه آگاهی گردآورنده از مهم‌ترین موضوعات نشانه‌شناسی در سطح جهانی است.» به هر تقدیر چنان‌که در مقدمه کتاب نیز آمده، نوشتارهای این مجموعه شاهدهی است بر این مدعا که حوزه نشانه‌شناسی بسیار فراخ و گسترده است.

فرزان سجودی نیز در این نشست از کتاب‌های متعددی گفت که در حوزه نشانه‌شناسی منتشر شده و از نگاه فرایکرب کتاب «نشانه‌شناسی، مقالات کلیدی» «این کتاب سیراغ سرحلقه‌ها رفته است. هزاران مقاله درباره نشانه‌شناسی در جهان هست و در انتخاب مقاله‌ها برای ترجمه باید عوامل متعدد را در نظر داشت. مقاله امیرتو اکسو درباره نشانه‌شناسی در معماری هم در این کتاب ترجمه شده و نشانه آگاهی گردآورنده از مهم‌ترین موضوعات نشانه‌شناسی در سطح جهانی است.» به هر تقدیر چنان‌که در مقدمه کتاب نیز آمده، نوشتارهای این مجموعه شاهدهی است بر این مدعا که حوزه نشانه‌شناسی بسیار فراخ و گسترده است.

شماره ۲۹۲۴ • سال چهاردهم • روزنامه شرق

گزارش

دوستی دیرینه ادبیات ایران و چین

از سنگ‌نبشته‌ها تا صورت‌گری‌ها

شرق: قدمت دوستی دیرینه و عمیق ایران و چین به بیش از دو هزار سال می‌رسد. روابط فرهنگی ایران و چین در قرن پنجم میلادی چنان توسعه یافت که این دوره را «عصر طلایی» فرهنگ و ادب ایران در چین دانسته‌اند. زبان و ادب فارسی در چین بسیار رواج داشته و مشترکات فراوانی میان فرهنگ ایران و چین در حوزه فلسفه، هنر و ادبیات دیده می‌شود اما شناخت مردم دو کشور از ادبیات معاصر و تحولات ادبی که در قرن بیستم رخ داده، اندک است. به‌دعوت مرکز فرهنگی شهرکتاب و مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، هیئتی از انجمن نویسندگان چین در روز پنجشنبه پنجم مرداد در نشست حضور یافتند. محمدخانی، معاون فرهنگی و بین‌الملل شهرکتاب، به پیشینه روابط فرهنگی میان ایران و چین اشاره کرد: «درباره روابط فرهنگی ایران و چین بسیار نوشته و سخن گفته‌اند؛ از عصر درخشان فرهنگ ایران در چین، از چگونگی ورود اسلام به چین، از خاندان بزرگ ایرانی در سرزمین چین، از نگارگری در ایران و چین، از هنر سفالگری و چینی‌سازی در ایران و چین، از تأثیر ایرانیان بر معماری چین، از کارنامه ایرانیان عهد باستان در چین از دهکده پارسی در جنوب چین و از سنگ‌نبشته‌های فارسی در چین. در صد سال گذشته هم آثار کلاسیک فارسی به چینی ترجمه شده و آثاری از ادبیات و حکمت و تاریخ چین به فارسی. اگرچه آثاری که از فرهنگ و تاریخ و هنر و اندیشه چین به فارسی ترجمه شده بیشتر از آثاری است که از ادبیات و فرهنگ ایران ترجمه شده است اما در حوزه ادبیات معاصر و تحولات ادبی در پنج دهه گذشته در دو کشور آثار اندکی به هر دو زبان ترجمه شده است.» لی ای مینگ، رئیس دفتر انجمن نویسندگان و منتقد ادبی چین نیز گفت: «ایران یکی از کشورهای متمدن جهان است که اشعار کلاسیک برجسته‌اش در ادبیات جهان، جایگاه بسیار مهمی را اشغال کرده. شاهکارهای جادوان شاعران نامداری همچون فردوسی، خیام، سعدی، حافظ و… به زبان‌ها مهم دنیا ترجمه شده که توجه و تحسین بسیاری از نویسندگان ادبی سراسر جهان را برانگیخته است.»

و به «کلسنتا» سعدی اشاره کرد. او درباره چین معاصر نیز گفت: «بعد از ورود به قرن بیستم، ادبیات مدرن چین هرساله حدود پنجاه هزار کتاب منتشر می‌کند، چیزی بالغ بر نهصد هزار شعر در مجله‌های ملی به چاپ می‌رسد و حدود صد هزار رمان آنلاین در اینترنت منتشر می‌شود. همزمان بسیاری از آثار ادبی خارج از کشور نیز معرفی، ترجمه و منتشر می‌شوند تا سطح دانش و آگاهی علاقه‌مندان به مطالعه را غنی‌تر کنند. از آنجایی که نوین‌سازی چین همگام با آثار ادبی بوده، مکتب‌های رمان نوین غربی منجر به تولید آثاری مثال‌زدنی شده. در بازگشت به سنت‌های ادبی، هنری، فرهنگ سنتی چینی موردتوجه قرار گرفته و همین بدایت و گردگونی موجب ایجاد جریان تازه شد. نویسندگان چینی جایزه بین‌المللی ادبی بسیاری را برده‌اند و ادبیات نوین چینی نیز روزبه‌روز تبدیل به قدرتی برای درگرونی ادبیات جهان شده و این‌توان گفت که چین یکی از کشورهای بزرگ در زمینه ادبیات است اما به‌دالایی چون فرهنگ و زبان متفاوت، آثار ادبی مدرنی که در دسترس عموم مردم جهان باشد بسیار کم است.» فوشیو یینگ، رمان‌نویس چینی، درباره وضعیت رمان معاصر چین، چنین گفت: «نویسندگان چینی در دهه هشتاد قرن بیستم میلادی، از فرهنگ غرب تأثیرات عمیقی پذیرفتند. در سال‌های اخیر همراه توسعه برق‌آسای جامعه چین، نویسندگان چینی موقعیت‌شان دستخوش تغییرات زمانه شده بود. آن‌ها داستان‌های چین جدید را با توجه به فرهنگ سنتی و با استفاده از روش‌های منحصربه‌فرد زیبایی‌شناسی مردم چین، روایت کردند. ویژگی رمان‌های چینی، داشتن حس تاریخی است. بسیاری از نویسندگان چینی، خود را واقع‌توصیف‌تجارب چین قرن بیستم کردند. آن‌ها به کرات از تاریخ انقلاب چین و جریان نوین‌سازی نوشتند و تجارب پیچیده مردم چین را در عصر نوین بیان کردند.» لی‌شانو چون، شاعر شعر معاصر چین را در باز کیه جلسه به چهار دوره تقسیم کرد و گفت: «دوره نخست، دوره‌ی شعر مهم است که پایه اصلی مطالعات خارجی است و ترجمه شعر در این دوره رایج شده است. شعر مهم پیدایش یک نوع جریان جدید شعری در دوره بعد از انقلاب بزرگ فرهنگی است که در جستجوی خصلت فردی، خودجویی و دعوت حقیقت و کمال و بازگشت طبیعت انسان‌استی است و دارای روح روشنگر نیرومند، فکر انتقادی و آگاهی از عصر است که یک نوع روش جدید بیان شعر و جستجوی زیبایی‌شناسی است. در دوره دوم، شعر در جستجوی ریشه‌ها و سنت‌های درونی است. دوره سوم، دوره اساسی طرح شعر نام دارد. این مرحله کندوکاو در درجات پایین‌تر و نزدیکی به طبیعت و پرکردن پایه‌های شعر است. از نشانه‌های این دوره ظهور ظهروا عرانی از طبقات پایین و شکوفایی شعر محلی است. مرحله چهارم، مرحله جدیدی است که من پیدایش سریع آن را پیش‌بینی می‌کنم و آن را مرحله جویی پیشرفت می‌نامم. در این دوره شاعران بزرگی پدید می‌آیند.» یوگولی، مدیر گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه مطالعات زبان‌های خارجی یکن، نیز به ترویج اهمیت فردوسی در چین و ترجمه چند کتاب برای انتقال روح فردوسی به فرهنگ چین اشاره کرد و گفت که سال‌هاست به‌همت رایزنی فرهنگی مراسم بزرگداشت فردوسی در دانشگاه چین برگزار می‌شود.

دکتر الهام مزینیا، درباره تاریخ ادبیات چین گفت که با متون فلسفی آغاز شده که در ایران باورهاپارها چاپ شده‌اند. در کتاب «اشعار مقدس»، اشعار محدوده یانسدساله‌ای را که در شمال چین سروده شده‌اند، جمع‌آوری شده و کتاب دیگر که «اشعار چو یوان» است که هیچ‌کدام از این کتاب‌ها به فارسی ترجمه نشده‌اند. آژده باقری، به مواجهه خود با فرهنگ چینی پرداخت: «اولین کار مشترک ما با یوگولی ترجمه «تاریخ ادبیات چین» از زبان چینی به فارسی بود. در مسیر ترجمه این کتاب به‌قدری تشابهات فرهنگی و ادبی بین ایران و چین دریافت کردم که بعد از آن به مطالعات تطبیقی پرداختم.» دکتر مهدی مجتبی به وام‌گیری‌های فرهنگ ایران از فرهنگ چین اشاره کرد و گفت که چین از جهت جهت برای ما اهمیت دارد، از جهت تاریخی و همچنین از جهت استوره‌ای. مهدی یونسفه‌یونهای مهمی میان ما بوده است. «ادبیات ما پر است از واژگانی چون مشک ختن، بت چین، چین و چگل، آمه‌رو چین، کیمیا و جادو و استعارات بسیاری از این فرهنگ وارد ادبیات ما شده است، هر‌جا در فرهنگ ما صورت‌گر و صورت‌نگری می‌آید به چین ربط دارد. چین به‌لحاظ تاریخی و مدرن‌بودن دنیا را همیشه در قبضه داشته. شاید بیش از ده درصد ادبیات ما در حوزه صورت‌نگری‌های تصویری مروهین چین است که تا امروز ادامه یافته.»

علی‌اصغر سیدآبادی درباره اهمیت تبادل ادبی در زمینه ادبیات کودک با نویسندگان چینی گفت: «درباره بازار کتاب چین اطلاع زیادی ندارم اما به نظر می‌آید که آن‌جا هم تمام بازار در قبضه چند ناشر بزرگ اروپا باشد. این باعث شده که از شناخت فرهنگ و کشورهای دیگر محروم شویم.» دکتر ابوالقاسم اسماعیل‌پور نیز به ارتباطش با ملت چین اشاره کرد که تا ۲۰۰۴ آن آغاز می‌شود، زمانی که در دانشگاه بین‌المللی شانگهای دو سال تدریس می‌کرد.